

گفت و گو با منوچهر فضلی خانی
مدیر کل دفتر آموزش متوسطه (راهنمایی تحصیلی)

ارزش یابی ترکیبی

زهرا شعبانی

چرا این روش؟

به بن بست خواهد رسید. مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی می خواهد از فرصتی که به آن داده شده است از زاویه نگاه خود شما این موضوع را دقیق تر ارزیابی کند و در واقع بر آن است تا به دنبال پاسخ این پرسش باشد که رویکرد ارزش یابی ترکیبی چیست؟

● موضوع «ارزش یابی ترکیبی» یکی از محورهای تحول نظام آموزش و پرورش در دوره راهنمایی است. وقتی اهداف مشخصی برای ادامه هر یک از دروس مطرح می شود، قطعاً جهت استمرار آن نیز برنامه هایی تعریف می شود. یک بخش به دانش محتوای درس، بخش دوم به نگرش دانش آموز به آن درس و بخش سوم به مهارت هایی مربوط است که او کسب می کند. آن چه که رصد کردنی است، شامل میزان یادگیری، تغییرات نگرشی و مهارت هایی می شود که دانش آموز کسب

وای از روزی که نمره های یک رقمی می شد و آقا معلم با خود کار قرمزش دو بادی گارد در کنارش می گذاشت تا نکند شیطنت کنی و برای آبروداری رقم ناقابلی کنارش بگذاری!

همه خوبی ها و بدی های شخصیت دوران کودکی و نوجوانیت در یک عدد خلاصه می شد و در محافل دوستان و اقوام با این پرسش ساده به همه معرفی می شدی: معدل امسال چند شده؟

شاید این شوک های «روز کارنامه» است که آن دسته از دانش آموزان قدیمی را که امروز مسئولیتی در برنامه ریزی های آموزش و پرورش دارند به فکر چاره جویی انداخته است تا نسل های بعدی کمتر زیر بار این نوع ارزش یابی یا بهتر بگویم ارزش گذاری ترک بردارند و بشکنند

همراه جعفر ربانی، سردبیر رشد معلم و احمد شریفان، عضو شورای برنامه ریزی و کارشناسی رشد تکنولوژی آموزشی و محمدرضا حشمتی، سردبیر رشد آموزش راهنمایی تحصیلی به دیدار منوچهر فضلی خانی رفتیم تا بپرسیم فرایند ارزش یابی ترکیبی چیست؟

○ این روزها زمره هایی در رابطه با موضوع ارزش یابی ترکیبی به گوش می رسد. اصطلاح زمره را به این خاطر به کار بردم که تا وقتی موضوعی به روشنی و به دور از هر ابهام گذاری، «تبیین» نشود، در میانه راه

شاید آفت طرح ها که اغلب ارزشمندند این باشد که می خواهیم با بخش نامه ها یکسان سازی کنیم. چون با این وصف، عنصر اختیار را از استان ها گرفته ایم



کرده است. متأسفانه ارزش‌یابی سنتی در دو بخش نگرش و عادت کمتر موفق بوده و بیشتر بر ارزیابی دانستنی‌های دانش‌آموز تأکید داشته است. در روش‌های مدرن وقتی مهارت‌های عملکردی در راستای تربیت اجتماعی سنجیده می‌شوند، نقص روش‌های سنتی بیشتر به چشم می‌آید. به همین خاطر سراغ ارزش‌یابی ترکیبی رفتیم.

○ در رویکرد ارزش‌یابی ترکیبی چگونه روش‌های کمی و کیفی در کنار هم به کار برده می‌شود؟

● در این مدل ترکیبی دانش‌فرد به روش کمی یعنی آزمون و تعیین نمره، سنجش می‌شود. نمره ۱۰ به معنای کسب ۵۰ درصد واحد دانش‌درسی است. اما معیار سنجش حوزه تربیت اجتماعی نمی‌تواند عدد باشد. فرضاً مهارت دوست‌یابی در درس علوم اجتماعی با روش «مشاهده»، «پروژه» و چند آزمون عملکردی دیگر قابل توصیف است و در نهایت با چند عدد و عبارت توصیفی وضعیت دانش‌آموز مشخص می‌شود.

○ یعنی در واقع دانش‌آموز همیشه در معرض ارزیابی قرار دارد؟

● دقیقاً همین‌طور است؛ حتی در خانه توسط پدر و مادر. ارزیابی کمی زمان و مکان را مشخص می‌کند اما در روش کیفی محدودیت زمانی و مکانی نداریم.

○ شاید بهتر باشد قبل از این که بیشتر به چگونگی اجرای این طرح بپردازیم، به اهداف تعریف شده در رابطه با عملیاتی شدن ارزش‌یابی ترکیبی هم اشاره‌ای داشته باشیم.

● البته. ابتدا به سه هدف عام اشاره می‌کنیم و بعد از آن درباره چند هدف ویژه به صحبت می‌پردازیم.

- ✓ جمع‌آوری اطلاعات جهت اصلاح برنامه‌ها؛
- ✓ حصول اطمینان از بحث‌یادگیری دانش‌آموز و ارتقای وی؛
- ✓ تشخیص و پرورش علایق و استعدادها دانش‌آموز.

و اما اهداف ویژه طرح نیز از این قرارند:
✓ ایجاد التزام به رشد همه‌جانبه دانش‌آموز؛
اگر زمانی فقط به رشد ذهنی توجه داشتیم، دیگر وقت آن رسیده که نوع نگرش دانش‌آموز به مفاهیم تغییر کند و چگونگی کسب مهارت‌ها، نظارت و هدایت شود.

✓ رشددهندگی، امیدآفرینی و تقویت اعتمادبه‌نفس؛
در این روش دلهره‌ها کم و نشاط افزایش می‌یابد. در ارزیابی کمی در واقع برای دانش‌آموز جایگاهش را تعریف می‌کنیم؛ چون که اضطراب و دلهره جایی برای رشد نمی‌گذارد. اگر هدف از ارزیابی رشد باشد، هر فردی حاضر است ناشناخته‌ها و ضعف‌هایش را هم بگوید تا رشد کند. در حالی که در ارزیابی که صرفاً کمی است، فرد فقط قوت‌ها را می‌گوید تا کمتر در رقابت منفی سرخورده شود. چون در این روش شکست رقیب پیروزی است. در حالی که در ارزش‌یابی ترکیبی همه پیروزند چون آمده‌اند که رشد کنند. آن چه که در سطح جهان مطرح است آموزش به معنی رشد است.

✓ افزایش بهداشت روانی محیط یادگیری؛
یادمان باشد که در یک محیط نابسامان شاید آموزش شکل بگیرد، اما تربیتی در کار نخواهد بود! علاوه بر اهداف ذکر شده، در بخش اصول هم نکاتی مطرح است که اگر اجازه بدهید به چند نکته اشاره کنم.

○ البته.
● اصل جدایی‌ناپذیر ارزش‌یابی ترکیبی از آموزشی؛
در ذات بسیاری از روش‌های یادگیری، ارزش‌یابی هم وجود دارد. مثلاً در تاروپود پروژه، نکات ارزیابی نهفته است. چنان‌که در همان لحظه یادگیری، ارزش‌یابی نیز صورت می‌گیرد.

✓ اصل توجه به دانش و نگرش همه‌جانبه؛
خداوند از مخلوق ویژه‌اش به نام انسان خواسته است که دیگر مخلوقات را ارزیابی کند. با این نگرش، انسان مؤمن خودش را هم ارزیابی می‌کند. در واقع دانش‌آموز در روش

دانش‌آموز در روش ارزیابی ترکیبی در ارزیابی خودش سهیم است؛ در حالی که در روش سنتی هیچ نقشی در این امر مهم ندارد

به ترتیب از سمت راست: جعفر ربانی، منوچهر فضلی‌خانی، احمد شریفان و محمدرضا حشمتی





یادمان باشد که در یک محیط نایب‌سامان شاید آموزش شکل بگیرد، اما تربیتی در کار نخواهد بود

نقد
سروش
شیرازی

ارزیابی ترکیبی در ارزیابی خودش سهیم است؛ در حالی که در روش سنتی هیچ نقشی در این امر مهم ندارد.

✓ اصل نوآوری و خلاقیت در جریان یادگیری؛
✓ اصل توجه به تفاوت‌های فردی؛

هیچ دو انسانی یکسان نیستند. پس به یک شکل یاد نمی‌گیرند و نباید به یک روش ارزیابی شوند. در ارزیابی ترکیبی ضمن توجه خاص به تفاوت‌های فردی به آن بها داده می‌شود. حضرت علی(ع) تفاوت‌های فردی را خیر می‌دانند در حالی که متأسفانه ما می‌خواهیم با آزمون و تعیین نمره حتی مدرسه‌دانش‌آموزان را جدا کنیم. در یکسانی چالشی وجود ندارد؛ پس رشدی هم صورت نمی‌گیرد. تفاوت‌های فردی هستند که بحث‌های چالش‌انگیز و رشددهنده را ایجاد می‌کنند و اگر درست هدایت شوند، نشاط‌آور خواهند بود.

○ در این جا ربانی که حضور یک معلم پویا در کلاس درس دغدغه‌همیشگی ذهن اوست، بحث را به نقش معلم در این حیطة می‌کشاند و می‌گوید:

می‌دانم به این امر واقفید که در همین نظام ارزیابی سنتی انسان‌های فرهیخته‌ای تربیت شده‌اند و تقریباً همه دانش‌آموزان با این روش ارزش‌یابی می‌شوند. با وجود این، نقد نظام سنتی دیر نشده است. آیا بهتر نیست بر جنبه‌های مشترک این دو روش بیشتر تأکید شود؟ چون بیم آن می‌رود که مبادا معلم‌ها درست توجیه نشوند و تصور کنند کارها با یک توصیف معمولی ساده‌تر شده است!

● در روش ترکیبی هنوز هم روش سنتی جایگاه خودش را دارد. سنجش کمی در کارنامه با عدد و ارقام گزارش می‌شود. بنده با نکته‌ای که در رابطه با معلم فرمودید، موافقم. تا وقتی که گزاره‌های ذهنی معلم تغییر نکند و به این باور و اعتقاد نرسد، روش ارزش‌یابی ترکیبی نه‌تنها به معنای ساده شدن کارها نیست بلکه به دنبال یک رشد همه‌جانبه در یک محیط شاد و بدون تنش است، که بدین ترتیب کاری از پیش نخواهیم برد.

البته در نظر داریم پس از گذار از فرایند عام تولید طرح به تولید محتوا برای معلم، مدیر و اولیای مدرسه بپردازیم و یک بسته کامل و همه‌جانبه به ایشان عرضه کنیم.

ضمن این که در این مسیر قدم کوچکی هم برداشته شده است؛ مثلاً یک دوره آموزشی برای مدیران مدرسه برگزار گردید.

○ آیا آموزش‌هایی که صورت گرفته با برنامه درسی، امکانات فعلی، محیط، محتوای آموزشی و انتظارات موجود همخوانی داشته است؟ می‌خواهم بدانم نگرش آن‌ها به این طرح چگونه بوده و آیا توانایی اجرای آن را دارند؟

● در ارزیابی ملی و استانی که توسط اساتید صورت گرفت، به این نتیجه رسیدیم که همه یک پارچه مدافع طرح نخواهند بود. اجرا و توسعه آن، ناحیه به ناحیه شدنی است و این نقص فقط به خاطر چگونگی تبیین همه طرح‌های ماست.

○ حشمتی دلیل حمایت نشدن طرح از سوی معلم و گاهی تحریف آن را آسیب‌شناسی می‌کند و معتقد است طرح درست تبیین نمی‌شود و با معلم برای معلم برنامه‌ریزی نمی‌کنند. پس اگر معلم منفعل است به این

خاطر است که در طرحی که باید آن را اجرا کند دیده نشده است. وی در ادامه می‌گوید:

نگاه ما در ساختار از بالا به پایین است. شاید آفت طرح‌ها که اغلب ارزشمندند این باشد که می‌خواهیم با بخش‌نامه‌ها یکسان‌سازی کنیم. چون با این وصف، عنصر اختیار را از استان‌ها گرفته‌ایم.

● فضلی‌خانسی می‌گوید: البته دلیل آن می‌تواند عدم تمرکز ما بر وظایف و تخصص‌هایمان باشد. تقسیم کار نیروها یکی از راه‌حل‌های اساسی این معضل است. این ضعف باعث شده کسی که در ستاد ایده‌ای را مطرح می‌کند، می‌تواند چند ساعت آن را تحلیل نماید و بعد از تصویب، مسئول استانی یک ساعت، مدیر نیم ساعت و معلم دو دقیقه درباره آن صحبت کنند. در آموزش و پرورش باید آچاربکس باشی. اگر انبردست باشی، پیچ را باز می‌کنی اما زخمی هم به جامی گذاری!

○ در ادامه، شریفان پس از طرح این پرسش که آیا ارزش‌یابی ترکیبی در شناخت رفتار یادگیرنده مؤثر بوده و به عبارتی به اهداف آموزشی که تربیت شهروند خوب است رسیده یا نه، گفت:

به اعتقاد بنده ابتدا باید تحقق اهداف مورد ارزش‌یابی قرار بگیرد تا مؤلفه ارزش‌یابی به عنصر یادگیری تبدیل شود. اما اول به این پرسش جواب دهیم که ارزش‌یابی برای یادگیری است یا ارزش‌یابی یادگیری مدنظر ماست؟ آیا یادگیری ما بر مبنای پروژه است که می‌خواهیم امروز ارزش‌یابی بر پایه پروژه صورت بگیرد؟!

در مورد بُعد نگرشی معتقدم که نمی‌توان به آن نمره‌ای داد. آیا اهداف و یادگیری به تغییر نگرش دانش‌آموز می‌انجامد؟ یک جا نگرش دانش‌آموز به درس سنجیده می‌شود و جای دیگر اهداف آموزشی در سنجش نگرش تعقیب می‌شود. ابتدای سال تحصیلی معلم باید ابعاد نگرشی را بسنجد سپس حرکت کند. برای مثال ببیند ما فرد گراییم یا جمع‌گرا و یکسان‌بین!

در ارزش‌یابی نگرش، ملغمه‌ای از ابزار و روش‌ها را مطرح می‌کنیم. در حالی که همه آن‌ها را نمی‌توان به کار بست. در جایی از من خواستند که در مورد ارزش‌یابی توصیفی کارگاهی برگزار کنم. گفتم درباره ارزش‌یابی می‌توانم حرف بزنم اما از من نخواهید درباره ارزش‌یابی توصیفی بگویم چون اعتقادی به آن ندارم. زیرا در ادبیات ارزش‌یابی، اصطلاحی به نام ارزش‌یابی توصیفی نداریم، بلکه ارزش‌یابی به کمی و کیفی تقسیم می‌شود.

در حال حاضر نیز به کار بستن اصطلاح روش سنتی و غیرسنتی اشتباه است. آن چه واضح است این است که ما روش‌های سنجش هدف‌های شناختی و غیرشناختی داریم!

● فضلی‌خانی در پاسخ به نقد شریفان از ضعف مبنای نظری آیین‌نامه گفت و این که از زوایای مختلف در شورای عالی به این طرح پرداخته شده است و البته باز هم جای نقد و تحلیل دارد. وی هم چنین افزود:

وقتی ارزیابی در سه بُعد پیش برود، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. با ضعف‌هایی که مطرح کردید موافقم. کارگروه‌هایی داریم که با دعوت از کارشناسان به رفع آن‌ها خواهند پرداخت.